

بیزشراپت را برای نفوذ فاشیسم نوع هیئتی آمده ساخته بود. آلمانی‌ها از تمامی این عوامل بسفوح سیاست سطره جبهه خود در این زمان استفاده میکردند و در نفوذ خود بین نوابوگان و جوانان بیزس تاثیر بودند.

در سال ۱۹۲۷، بالدور دین شوراخ رهبر جوانان هیئتی به ایران آمده و طی سخنرانی‌های خود از "همبستگی" و "رسالت" "شترک" "ناپخی" و "نژادی دولت" "هاک و موزه" "ایران و آلمان سخن" راند. در آخر سفرش اورشاه را دعوت به دیداری از آلمان کرد. در این سال در ایران باکک و رمسید آلمانی‌ها جمله فارس ایران باستان منتشر شد که صفحه اول آن علامت صلیب شکسته بود و علنا از "برتری نژاد آریائی" "واز" "حقیر" و "ناقص" و "ناکامل" و "ناهاک" بودن ملت‌ها و اقلیت‌های مذهبی در ایران سخن میراند. با اضافه انتشارات مخطف‌بهان فارسی بسیاری از مجلات و نوشته‌های آلمانی در ایران بنظور مجانی در اختیار مردم قرار میگرفت و آلمانی‌ها در شهرها و دهات ایران فیلم فاشیستی را بنظور رایگان نمایش میدادند و در آغاز جنگ چهل درصد فیلم‌ها، سراسر سینماهای کشور را فیلم‌های آلمانی تشکیل میداد. علاوه بر این نوع رسانه‌های گروهی، فاشیست‌ها در برنامه‌های رادیو تهران بیز نفوذ کرده و در ترویج سخن پراکنی‌های رادیو برلین و ترغیب توده‌های مردم به شنیدن اخبار سیاسی رادیو برلین نقش بزرگی داشتند.

در این دوره بروشنی معلوم بود که این نوع فعالیت برای نفوذ در امور و ششین مختلف بیک کشور احتیاج بیک سازمان مستقیم و وسیع و زنده دارد. این سازمان مخفی، که مستقیماً از طرف حزب نازی آلمان رهبری میشد، در تهران قرار داشت. افراد برجسته این سازمان جاسوس مهارت بودند از دکتر جویدن، که صدی امروم‌الیه در اداره باستان شناسی بود، و دکتر گریها وزیر مختار سابق در تهران.

گریها عموماً در کشورهای دیگر خاورمیانه مثل عراق و ترکیه و سوریه مشغول رفت و آمد بود و در غاب از بیزه در سالهای ۴۰ و ۴۱ رهبری جاسوس در ایران بدست اطل و دکتر طاهر افتاد و از آن به بعد فعالیت‌ها برای نفوذ شدید تر گشت.

با اینکه اکثر این فعالیت‌ها در درون ایران برای کشورهای آمریکا و شوروی و انگلیس گزارش داده شده بود ولیکن مقامات ایرانی و دار دسته رشاهه از وجود چنین مرکز جاسوس عموماً اظهار بی اطلاعی کرده و دائماً مورد تکذیب رسمی قرار میدادند. این امر ناشی از تغییر موضعی بود که در داخل اولهای قدرت

حاکم ایران در این مدت زمان بوجود آمده بود. رضاشاه و بعضی از سران ارتش چون فضل‌الله زاهدی خواهان نزدیکی با آلمان صیقلی و در آرزوی ایجاد و حفظ یک رژیم موناکو فاشیستی مشغول تدارک بودند.^{۱۰}

سقوط رضاشاه

خود رضاشاه و بعضی از درباریان و هم چنین بعضی از سران ارتش به تقلید از تبلیغات "یوادخا" صیقلی دست به یک رشته فعالیت‌های "آب‌خاشانه" و "پان‌ایرانیستی" زدند. همانطور که قبلاً اشاره رفت، رژیم رضاشاه با ایجاد "سازمان پرورش افکار" خواهان جلب اکثر جوانان بسوی فاشیسم بود. دولت‌های تحلی دربار رضاشاه با ایجاد "فرهنگستان" دست به پرورش امثال طبعه طبیعت‌سای مختلف زده و با تقسیم آذربایجان بدو منطقه شرقی و غربی و کویجادن بخش از افراد اهل آن استان به شهرهای آذربایجان غربی کوشید با ایجاد آژرگان و تشدید اختلافات قومی سنن و آداب خلق‌های غربی و آذری را از هم پاشیده و "پان‌ایرانیسم" نوع رضاشاهی را در سراسر ایران پراکنده کند. رژیم رضاشاه حتی به زبان و ادبیات فارسی نیز دست برده و دست به تحریف‌های مختلفی در تاریخ ایران زد. ستون پنجم آلمان نازی نیز که شامل احزاب بسوی طرفدار فاشیسم - مثل "حزب کمونیست"، "حزب پیکار" و "حزب بی‌سرد" و نشریات فاشیستی، مثل "نشه پیمان" و ایران امروزه بودند در تبلیغات ایدئولوژی فاشیستی و سوق ایران بسوی فاشیسم نقش مهمی را در این دوره ایفا کردند. نظریه "برتری ایرانیان" بر اساس فاشیسم بسوی آلمان در این دوره در سینه طرفداران رضاشاه ترویج یافت و تهران به یکی از مراکز مهم حاسوس آلمان در خاور میانه تبدیل گشت.

با آغاز جنگ جهانی دوم، سفير آلمان در ایران کوشید رضاشاه را به نفع فاشیسم آلمانی در جنگ طبعه متعین درگیر سازد. چین رضاشاه به نفع آلمان طبعه متعین و مشخصاً طبعه اتحاد جماهیر شوروی به فعالیت برداخت و طابع بزرگی در رابطه با ارسال اسلحه و مهمات از طریق ایران به جبهه جنگ آلمان گزارد گشت در نتیجه در سال ۱۹۴۱ متعین وارد ایران شده و انگلیس‌ها رضاشاه راه‌کنه به نفع آلمان صیقلی از انگلیس بریده بود. به جبهه چین و سپس به یوگوسلاوی در افنقای جنوبی تمهید کردند. فرار رضاشاه دقیقاً ماهیت ارتعاشی و وابستگی رژیم او را برملا ساخت. امیران طالع‌رته ارتش ایران که رضاشاه آن‌ها را بر سر خود آورده و اکثر بودجه ایران را صرف تجهیزات ارتش

ساخته بود، اکثراً* از ترس خشم مردم از مقابل نیروهای عقبن قرار کرده و نشان دادند که ارتش پوتالی رضاشاه و رژیم مفسور او نه برای دفاع و حراست از استقلال ایران بلکه ابزاری در دست امپریالیستها برای جهاول و سرکوب مردم ایران بوده است* با سرنگونی رضاشاه فصل جدیدی در تاریخ مردم ایران باز شد*



فصل پنجم :

ایران در دوران آزادیهای دموکراتیک

(از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۰)



مقدمه : مشخصات عمده و برجسته این دوره

این دوره از شهریور ۱۳۳۰ (با اشغال ایران توسط متفقین [شوروی، انگلرس، آمریکا] و خلع و برار رضاشاه به جزیره مورس شروع شد. و در اردیبهشت ۱۳۳۰ یعنی آغاز زمامداری دکتر صدق به پایان میرسد.

این دوره از نظر نظریه‌های سیاسی و روش‌های بین‌المللی نمود به سه دوره تقسیم میشود:

— دوره جنگ جهانی دوم، از اشغال ایران تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵).

— دوره یکساله جنبشها و دولت‌های دموکراتیک در آذربایجان و کردستان از ۲۱ آذر ۱۳۳۴ تا ۲۱ آذر ۱۳۳۵ (۱۹۴۶).

— ایران از شکست جنبش آذربایجان تا روی کار آمدن دولت ملی دکتر صدق اردیبهشت ۱۳۳۰ (۱۹۵۱).

بعد از آغاز جنگ جهانی دوم، ایران در تحت دیکتاتوری شد خلق رضاشاه با اینکه تعالیم شدیدی

به شرق آلمان صیقلی داشت ولی اعلام به اصطلاح بیختری کرد. این موضع گیری کاملاً یک امر ظاهری بود.

در واقعیت رژیم رضاشاه به طرفدارای فاشیسم نوع آلمان روی آورده و بر طبق نیروهای شد فاشیست در

داخل و خارج از ایران دست به کار شد. رضاشاه و طرفداران سلطنت استبدادی معتقد بودند که

بلاخره آلمان نازی پیروز از جنگ بیرون خواهد آمد و نتیجتاً ایران نیز در خاروبانه بعنوان متحد آلمان

به نیروی بزرگ "نژاد برتر آریایی" تبدیل خواهد شد. بدین جهت رضاشاه و رژیم او برای گسترش

تعالیم نژاد پرستانه ایدئولوژی فاشیستی در ایران در جریان سالهای ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ به تکاپو

افتادند. هدف آنها این بود که ایران را تبدیل به پایگاهی مطمئن در خاروبانه برای مطایب جاسوس

آلمانی بنا ساخته و شرایط را برای نابودی شوروی آماده سازند.

بعد از حمله هیتلر به اتحاد جماهیر شوروی در ژوئن سال ۱۹۴۱، ارتش سرخ، طبق ماده شش
قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی که به شوروی حق میداد که در صورتیکه خطری از جانب ایران تهدید
نشد وارد ایران گردد (با مشاهده خطر آلمان، که هر روز به دامنه تبلیغاتی و سیاسی و نظامی خود در
ایران میافزود، همراه دیگر متفقین ایران را اشغال کرد، با اشغال ایران عمر دیکتاتوری رضاشاه نیز
بمیان رسید، در شهریور ۱۳۲۰ (سپتامبر ۱۹۴۱) رضاشاه بعد از خلع از سلطنت به گت انگلینسها
به جزیره مورس شرق آفریقا افرار کرد و پسر او، که بعدها به تئوکراتین پادشاه ایران تبدیل گشت،
به سلطنت رسید.

با اینکه فرار رضاشاه به حکومت بیستاله ترور و حفظان خانه داد ولی ارتجاع شاهنشاهی بطور کلی
نابود نگشت، با خلع رضاشاه و برکناری داریودسته اشیدون شک ارتجاع از نظر سیاسی، ضعیف تر گشت و
توده های مردم به بعضی از آزادهای سیاسی و دموکراتیک خود البته بطور نسبی ناهل آمدند، بلافاصله
زندانیان سیاسی آزاد گشتند و با فرا رسیدن سال ۱۳۲۱ اکثر نموده های به میهن برگشتند و آزادی
خطوبات، تشکیل و فعالیت سازمانها و احزاب سیاسی رواج پیدا کرد و مراکز ملی و دموکراتیک شروع به
رشد کردند.

در این دوره بعضی از جناحهای دوره رضاشاهی افشاء شد و قاطین و شکنجه گران زندانیهای رضاشاه
مثل احمد احمدی که با تزئین آمبول نفوس مارین معروفی چون نقی ارانی را به ملکات رسانده بود،
محاكمه گشیده شدند. مجلس شورای ملی در دوره سیزدهم به جهت فشار مردم و اعتراضات وسیع توده ای
مجبور شد که "املان اختصاصی" را به صاحبانش برگردانده و خواستار محاکمه مسئولین شهریارانی
طبرعم مخالفت دربار گردد.

در این دوره تاریخی که نزدیک به ده سال طول کشید، قدرتهای بزرگ، به ویژه آمریکا و انگلیس
برای تسلط بر منابع طبیعی مخصوصاً مخازن نفتی ایران به رقابت برخاسته و حوزه نفوذ خود را در زمینه های
سیاسی و نظامی و اقتصادی در ایران گسترش دادند. اتحاد جماهیر شوروی نیز که از جنگ جهانی دوم
بهروز ملی ضعیف بیرون آمده بود، هدف استراتژیکی خود را در ایران بر اساس اینکه گذارد آمریکا و انگلیس
ایران را به پایگاههای طبع شوروی تبدیل سازند قرار داد.

در تحت این شرایط کشور ایران در این دوره بر تلاطم به صحنه نبرد بین نیروهای استقلال طلب که

در اول ضعیف بودند و رفته و رفته قوتور شدید از یک طرف و نیروهای وابسته به انگلیس و آمریکا از طرف دیگر تبدیل شد. این مبارزه (که ده سال طول کشید و بالاخره منجر به پیروزی استقلال طلبان نیفتد ملی ایران تحت رهبری دکتر مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۰ گشت) در تمام شئون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران رخنه کرد. بررسی و تحلیل مطبوعات، ترکیب مجلس و مواضع احزاب سیاسی ایران در این دوره بیرونی شی مبارزه بین این دو خطر را نشان میدهد.

مطبوعات

در این دوره از آزادیهای دموکراتیک، روزنامه نگاری و انتشار مجلات مختلف رونق یافت. تا زمانیکه جنگ جهانی ادامه داشت و خطر عمده در جهان فاشیسم هیتلری و متحدان آلمان آنزاس میشد در ایران نیز مثل اکثر کشورها چه نیروهای استقلال طلب و چه نیروها فیکه به قدرت های بزرگ خارجی بویژه آمریکا و انگلیس متکی بودند و هم چنین خود متفقین به بشر روزنامه و مجله طبع آلمان نازی دست زده و از غریب مطبوعات به تبلیغات و مبارزات خود دامن زدند. ولیکن بعد از پایان جنگ مطبوعات نیز مثل احزاب و وزاری کابینه های مختلف ایران و نمایندگان مجلس به اردوگاههای طرفدار انگلیس، طرفدار آمریکا، طرفدار شوروی تقسیم گشته و در خلال استقلال طلبان صف آرائی کرده و بجایزه و رقابت و تانی برخاستند. در اینجا به ذکر بعضی از این روزنامه ها و نشریات میپردازیم.^۲

معروفترین روزنامه ملی این دوره بهار بود که در مشهد توسط طک الشعراوی بهار چاپ شد. در این روزنامه شاعر باقلمی شیوا ظالاتی بصورت پاورقی تحت عنوان "کارنامه زندان" منوشت که در نوع خود کم نظیر و به جهت افشای وضع زندانهای رضاشاه خوانندگان زیادی پیدا کرده بود.

حزب بوده ایران نیز که در پاییز ۱۳۳۰ تشکیل یافته بود، روزنامه سماست را تحت سردبیری سفر بومی و بعداً ما براگندری منتشر صماخت که عموماً از سماست شوروی طرفداری کرده و در خلال آلمان نازیستی را مورد حقه قرار میداد. در جهان سال ۱۳۱۱ و ۱۳۲۲، این حزب با گذر شروز افسترون نامه های خود به انتشار روزنامه های متعدد در محله رزم و رهبر اقدام کرد.

به غیر از حزب بوده، در این دوره احزاب و سازمانهای مختلف سیاسی دیگر نیز دست به انتشار روزنامه های متعددی زدند. معروفترین این نشریات در این دوره عبارت بودند از:

— گروه مطبوعاتی "حزب بهکار": بهار، بورد و ایران — حسن ارسنجانی و دکتر دایها در روزنامه

ایران باطلاتی تحت عنوان "گرسنه" جدوشند که خیلی معروفیت داشت.

- ارگان "حزب مردم": مهر ایران، مدیریت د. نوروزی

- سازگانهای "حزب عدالت": سپن و اقدام

- ارگان "حزب اراده ملی": رعد امروز به سر دبیری سید عباسالدین طباطبائی *

با اضافه احزاب و سازمانهای سیاسی در این دوره خود متغین نیز در ایران مطبوعات خود را منتشر کرده و در آنها از موضع خود دفاع کرده و علیه آلمان تبلیغ میکردند. مثلاً انگلیس ها در لندن به زبان فارسی نشریه ای به اسم روزگار نو در دلهی مجله ای به اسم شپور نشر میدادند که در آنها از "دموکراسی" نوع انگلستان حمایت میکردند. شوروی نیز نشریه دوست ایران را در تهران و اخبار روز را در مشهد و نیز به زبان فارسی منتشر کرده و علیه فاشیسم و بیفیع سوسالهمزم و ارتش سرخ تبلیغ میکرد. همین زمان دولت شوروی با اصرار که به نشر تبلیغات سیاسی میداد در ایران بطور مرتب اعلامیه ای تحت افتکار خلق از هواپیما پخش کرده و در آن اعلامیه ها اشعاری چون "همام به ایران" شعر معروف ابوالقاسم لاهوتی را تکثیر میکرد.^۲

در این دوره شخصیت های سیاسی نیز بطور انفرادی روزنامه های خود را که ناشر افکار آنها بود چاپ

میکردند. مهمترین این روزنامه ها عبارت بودند از:

- آئین، سر دبیری جعفر پشه روی

- مرد امروز، سر دبیری محمد سعود، و

- ایها، سر دبیری دکتر دایها و همکاری حسن ارسنجانی *

اکثر این روزنامه ها در مرداد ۱۳۲۲ در درون اشلاقی به اسم "جبهه آزادی" درهم جمع شده و

تحت همان اسم نیز یک روزنامه یومیه منتشر ساختند. اهم این روزنامه ها عبارت بودند از:

- آزادگان، مدیریت عزت پور

- آئین، مدیریت جعفر پشه روی

- باختر، مدیریت حسین فاطمی

- تجدد ایران، مدیریت محمد طباطبائی

- خوشید ایران، مدیریت بازارگاد

— داد ، بدریت حمید نوری

— دماوند ، بدریت فتاحی

— رهبر ، بدریتسایرج اسکندری

— نقاره ، بدریت احمد طگن

— بدا ایران ، بدریت شاهنده

— مردم ، بدریت رضا راد عشر

— نیات ایران ، بدریت فروزش و

— مجله محیط ، بدریت محیط طباطبائی

با اضافه روزنامه های سیاسی ، در این دوره مجلات علمی و فرهنگی و زمین انتشار یافتند که بنوع خود در رشد افکار و اعتلای سطح آگاهی مردم ، بویژه روشنفکران ، نقش بزرگی ایفا کردند . معروفترین این نوع مطبوعات عبارت بودند از :

— مجله انجمن فرهنگی ایران و شوروی ، توسط سعید نفیسی

— بادگار ، توسط هار اقبال آشتیانی

— بیت ، توسط ج — بختیاری

— سخن ، توسط ذبیح الله صفا با همکاری صادق هدایت

— مجله موسیقی ، توسط شهید نوری

در صف مقابل روزنامه سیاسی متعلق به ائتلاف " جبهه آزادی " روزنامه اطلاعات بدریت هارسعودی و روزنامه های طرفدار دربار انگلیس و آمریکا بودند که مهمترین این روزنامه ها عبارت بود از اطلاعات هفتگی

تهران صبح ، صبا ، امید ، ترقی و بالاخره کجهان که در ظاهر به هیچ گروه و ائتلافی تعلق نداشتند

ولیکن در کل طرفدار دربار بود . و در موقع ضروری به طرفداری از آمریکا و بیا انگلیس برخاستند .

شایان ذکر است که وقتی که شرایط سیاسی تشدید پیدا کرد و طرح احضار نفت در مجلس چهارم هم

مطرح گردید تمام نشریات و روزنامه های سیاسی چه در داخل " جبهه آزادی " و چه در خارج از آن

از وحدت دست برداشته و ماهیت واقعی خود را با موضع گیری های خود بر ملا ساختند . بخش از این

ارباب قلم به اردوی سیدشاه الدین طباطبائی پیوسته و به نفع مخالف انگلیس در ایران موضع گرفتند بخش

دیگر بویژه مشروبات " حزب توده ایران " ، شعار " احتیاج نفت به شمال " را تلمیح کردند . بخشی دیگر نیز در انتظار شکست انگلیس و تسلط آمریکا بر منابع نفتی ایران سکوت کردند . تنها یک بخش از ایمن جرایم به آرمانهای ملی و استقلال طلبانه مردم ایران وفادار مانده و تا به آخر در کنار دکتر صدق در مجلس چهارم هم به نفع " قانون منع اعطای امتیاز به کشورهای خارجی " موضع گرفتند .

مشور کلی در این دوره آمریکا و انگلیس به رقابت خود در ایران افزوده و تدریجاً در دربار ، ارتش ، مجلس و احزاب سیاسی نیز نفوذ خود را کاملتر کرده و تسلط خود را در شئون اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایران بسط دادند . با بررسی ترکیب نیرویهای دین مجلس و سپه احزاب سیاسی و رهبری این سازمانها نتایج رقابت آمریکا و انگلیس از یک طرف و مبارزه نیروهای استقلال طلب ملی از طرف دیگر بیشتر روشن میشود .

مجلس چهارم هم و ظهور صدق

بعد از فرار رضا شاه ، مردم ایران بوقی شدند که در تحت بعضی از آزادیخواهترین برای اولین بار بعد از بیست سال رژیم تیرور و خفقان تنی چند از نمایندگان خود را به مجلس شورای ملی روانه سازند . ولیکن اکثر نمایندگان این مجلس طغیتم تظاهر به ایرانیت و اسلام در واقع طرفداران نیروهای خارجی بویژه آمریکا و انگلیس بودند . بدین جهت در بررسی مجلس چهارم و تحلیل آرایش نیروها در این مجلس باید به مبارزه بین دو خط - استقلال و انقیاد - در رابطه با نقش کشورهای امپریالیستی توجه کرد .^۴

در جهان سالهای آخر جنگ جهانی دوم که بتدریج آلمان هیتلری صرفتاً واقعیت شکست از طرف مغربین را پذیرا باشد روابط بین المللی اکثر کشورها دستخوش تحولات اساسی قرار گرفت و این امر باعث ظهور و تکامل نیرویهای جدید در صحنه جهانی بود . در حالیکه آلمان و ایتالیا شکست خورده و بعضی از قدرتهای بزرگ مثل فرانسه و انگلستان از نظر نظامی و اقتصادی بطور قابل ملاحظه ای ضعیف شده بودند . تمرکز و گسترش پولی و مالی و نظامی ایالات متحده و هم چنین حجم سرمایه گذاری آن کشور ابعاد بسیار وسیعی در سطح جهانی یافت . بویژه بعد از جنگ با در اختیار داشتن مخربترین سلاحها^۵ نظامی ، با تثبیت دلار بعنوان یک ارز بین المللی معمر و با ایجاد بلوک های نظامی در سراسر دنیا ، ایالات متحده آمریکا در اکثر کشورهای سرمایه داری موضع غالب پیدا نمود و بتدریج سرکردگی جهان سرمایه داری را تصاحب کرده و به مناطق نفوذ کشورهای امپریالیستی تضعیف شده قدم نهاد .

در ایران نیز مانند سایر کشورهای غارمهانه، جنگ جهانی دوم و عواقب اقتصادی و ژئوپلیتیکی آن باعث گردید تا موازنه قوا و جو سیاسی به نفع آمریکا و به زیان انگلیس به گونه ای شناخته و تفسیر یابد. تئور این تغییر موازنه قوا در ایران در این دوره را می توان در تشکیل و ایجاد احزاب و سازمانها^۱ به اصطلاح دموکراتیک و انتشار ارگانهای مربوطه و جریاند متعوم دیگر دید که همگی در رقابت شدید با طرفداران انگلیس به دفاع از آمریکا می پرداختند. شاهان ذکر است که حلقه اصلی این رقابت را تسلط بر منابع نفتی ایران تشکیل میداد. رقابت دو قدرت امپریالیستی آمریکا و انگلیس در این دوران در کلیه سطوح از مضمومات و کابینه های دولت گرفته تا ارتش و دربار محشم میخورد.^۲ بالطبع دامنه رقابت به درون مجلس چهاردهم هم گشوده شد.

در پائیز سال ۱۳۲۲ در انتخابات نمایندگان برای مجلس چهاردهم، طرفداران آمریکا و انگلیس به رقابت شدیدی برخاستند تا هر یک تعداد بیشتری از طرفداران این یا آن امپریالیسم را روانه مجلس کرده و از این طریق در انتخاب نخست وزیران ایران نیز نقش بیشتری داشته باشند.

مجلس چهاردهم که در فتره سال ۱۹۴۱ (بهمن ماه ۱۳۲۲) افتتاح گردید از ۱۳۶ نماینده تشکیل شده بود. اکثر نمایندگان این مجلس برخلاف دو مجلس اول و دوم از زمینداران بزرگ، تجار ثروتمند و بورژوازی های غالب نظام دولتی تشکیل یافته بودند که از نظر سیاسی در درون فراکسیونهای مختلف تمرکز داشتند. اهم این جناحهای مختلف سیاسی عبارت بودند از: ۱- فراکسیون اتحاد ملی که در برگیرنده نمایندگان طرفدار دربار و مجموعاً سی نفر بودند. اینان عموماً از اشراف و اعیان بودند که در مجلسین نرمایشی زمان رضاشاه نیز نماینده بودند. عزت بیات، ناصر قلی اردلان و فرج عاصف که هر سه از زمینداران بزرگ بودند در شمار سخنگویان این فراکسیون محسوب میشدند. در خارج از مجلس اینان حزب بنام "حزب اتحاد ملی" موجود آوردند که ارگان آن روزنامه "ندای ملت" بود. بعد ها رهبران این حزب تغییر نام داده و به اسم "حزب مردم" معروف شدند و اسم روزنامه هم به "عدای مردم" تغییر یافت. ایشان طرفدار زمینداران بزرگ بود و بواسطه سلطنت طلبی در امور خارجی کاملاً از دربار پیروی میکردند. زمانیکه دربار مسوی آمریکا گرایش یافت اینان نیز به طرفدارای از آمریکا برخاستند. ۲- فراکسیون آزادی که اکثر نمایندگان این فراکسیون نیز از نفوذالهای شمال ایران بودند که به مجلسین رضاشاه راه داده شد. بودند. اکثر آنان زمینداران بزرگ دربار تا چاره بودند که در سیاست خارجی از انگلستان پیروی میکردند.

معروفترین آنان محمد والی فرمانفرمایان و امیر نصرت اسکنداری در آذربایجان و نیز ابوالقاسم امینی بودند. تعداد اعضای این فراکسیون در مجموع بیست نفر و کاندیدای آنان برای نخست‌وزیری احمد قوام السلطنه معروف بود.^۶ ۳- "فراکسیون صحن" این فراکسیون از سیزده نماینده که اکثر از فئودالهای و تجار بزرگ جنوب بودند تشکیل میشد. اعضای این فراکسیون نیز طرفدار امین‌الملزم انگلیس بودند. و در واقع از حلقه نفوذ انگلیس نمایندگی انتخاب شده بودند. سخنمایان این فراکسیون مهارت بودند از امای ناصر معروف اسفیان، شکرالله سعوی از بوشهر، بهر روزنامه کوشش، ملک مدنی زمین دار کرمانشاه، هادی ظاهری جلدوز، ابراهیم فروتن از میزد و سید سها^۷ لدین طباطبایی معروف به سید سها^۸ که در سال ۱۹۲۱ به کسک انگلیسها به همراه رضاخان کودتای سواستفد را سازمان داده بود. در خارج از مجلس سید سها^۹ حزبی بنام حزب وطن ایجاد کرده و روزنامه اش را بنام رعد امروز منتشر می ساخت.^{۱۰} ۴- "فراکسیون دیوکرات" این جناح توسط سمام بختیاری طرفدار انگلیس (از اسفهان)، اسد بختیار (از دزفول) و عامر قبادیان رئیس ایل گلپدر در جنوبترین ایران نظرات خود را در مجلس عرضه میکرد. تعداد افراد این جناح سیزده تن بود که اکثر در برگره‌ها، نمایندگان حاطق جمع بود. اینان نیز به طرفداری از انگلستان خواهان حفظ مقام خود در ریاست ایلات بودند. ۵- "فراکسیون مستقل" نمایندگان این جناح که ۱۵ نفر بودند عموماً از روسای ولای در تهران و طرفدار سهیلی و نخست‌وزیری او بودند و در ارتباط با سیاست خارجی نیز بشدت از ایالات متحده آمریکا طرفداری میکردند. شخص سهیلی نیز زمانیکه به نخست‌وزیری ایران رسید بلافاصله ۶۰۰۰ سرباز انگلیسی را برداشته و در عود سربازان امریکائی را جایگزین آنان ساخت. در زمان نخست‌وزیری او بود که آرتور میلیس به عنوان مشاور مالی آمریکا به ایران دعوت شد تا به مسائل مالی ایران رسیدگی کند. بهر حال سخنگوی "فراکسیون مستقل" طی دشتی تصدیق کرده که در زمان رضاشاه حزبی بنام حزب "ایران نو" ایجاد کرد و به همراه سهیلی از سیاست امریکا دفاع می کرد. بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم سهیلی و دشتی طوق محو دیت آمریکا تازه به قدرت رسیده را بگونه انداختند. در پیروزی از مجلس دشتی "حزب عدالت" را پایه گذاری کرد (۱۹۲۲) و روزنامه های مختلفی به اسم بهرام ندای عدالت و مهر ایران را منتشر میکرد که تماماً به طرفداری از امریکا فعالیت تبلیغ میکردند.

این پنج جناح - اتحاد ملی، آزادی، صحن، دیوکراتیک و مستقل - با اینکه با هم اختلافات مهمی داشتند ولیکن در دو نکته اساسی یکی بودند. نخست: نمایندگان فئودالها و بطور کلی اشراف و اعیان

بودند • دوم : در سیاست خارجی با طرف انگلیس بودند و با امریکا در مقابل این پنج جناح وابسته به امپریالیسم متخاصم دنیا درگیر در مجلس چهارده بنام " فراکسیون حزب توده " وجود داشت که دارای هشت نماینده بود^۸ آنان که نمایندگان حزب توده ایران در مجلس چهارده بودند همگی روشنفکر و با سابق خانوادگی مهم بودند • این روشنفکران با اینکه طبع امریکا و انگلیس وضع میکردند اما با سیاست ترقی و استقلال طلبانه دکتر صدق که به " موازنه منفی " و بیطرفی در امور بین المللی معروف بود مخالفت کرده و با شعار ملی کردن صنایع نفت مخالفت ورزیده و سخت از اتحاد جماهیر شوروی طرفدار میکردند • در بهرین مجلس روزنامه های رهبر ، نیم و مردم توسط اعضای این فراکسیون بین روشنفکران محبوبیت پیدا کرده بودند •

از ۱۲۶ نماینده مجلس چهاردهم ، ۱۱۵ نماینده عضو فراکسیونهای فوق الذکر بودند • از ۲۶ نماینده باقیمانده انتخابات پنج تن رد شده بود و دوتن نیز چند ماه از گشایش مجلس فوت کرده و دوتن نیز استعفا داده بودند بقیه از افراد فوق نمایندگان باقیمانده به " مغردین " معروف بودند که رهبرشان با دکتر محمد صدق بود • " مغردین " که بعدها هسته اصلی جنبه ملی ایران را بوجود آورده و در کابینه دکتر صدق نقش بزرگی در ملی شدن صنعت نفت ایفا کردند ، از فعالترین و مردمی ترین نمایندگان مجلس چهاردهم بودند • دکتر صدق که طبعه دیکتاتوری رضاخان در کنار مدرس معروف مبارزه کرده و سالیها در تبعید بسر برده بود پس از سرنگونی و فرار رضاشاه از طرف مردم تهران به نمایندگی مجلس چهاردهم انتخاب شد • در این مجلس بود که صدق سیاست معروف به " موازنه منفی " - امتناع از دادن امتیاز به خارجی ها - را بصورت لایحه در اختیار مجلس گذاشت • از اعضای دیگر این فراکسیون پنج تن عضو حزب ایران* - متشکل از روشنفکران مهندس و دکتر - بودند • روزنامه های این فراکسیون (مغردین)

در ابتدا شفق و سپس جبهه در بین نیروهای ملی و استقلال طلب شهرت خاصی پیدا کرده صدق و بارانشر در مجلس چهاردهم در سیاست خارجی معتقد به اصل بیطرفی و اجرای " سیاست موازنه منفی " و در سیاست داخلی نیز معتقد به " اجرای اصول مشروطیت " و مبارزه شدید با " اختلاس و ارتشاء " بودند در حالیکه اکثر نمایندگان در سیاست خارجی طرفداری از امپریالیسمهای انگلیس و امریکا میکردند •^{۱۰}

اگرچه دقت وابستگی ها و مواضع نمایندگان و فراکسیون های مختلف مجلس چهاردهم را مورد تحلیل قرار دهم متوجه میشوم که با وجود اختلاف نظرات مختلف و متنوع روی مسائل کوناگون ، بیطرفی نمایندگان مجلس چهاردهم به دو بخش تقسیم میشدند : نمایندگان که خواهان اعطای امتیاز به نیروهای خارجی

بودند و نمایندگان که^{۳۰} اصل عدم قبول و امتناع از دادن امتیاز^{۳۱} را تبلیغ میکردند. انتخابات مجلس چهاردهم در زمانی انجام یافت و کامل شد (از روشن ۱۹۴۲ تا فوریه ۱۹۴۴) که ایران هنوز در اشغال نیروهای متفقین (امریکا، انگلیس و شوروی) بود. هر یک از اشغالگران، به ویژه امریکا و انگلیس در حوزه نفوذ خود طرفداران خویش را پرورش دادند و تحت نام نماینده روانه مجلس کردند. در این مجلس تنها مسدوق و بارانش از اصل استقلال طلبی و انقلاب خود (سیاست موازنه منفی) پیروی میکردند و بقیه نمایندگان که در واقع نمایندگان واقعی خلق نبودند از سیاست موازنه مثبت یعنی موافق با دادن امتیازات به کشورهای قدرتمند خارجی پیروی کرده و در قبال مسدوق و بارانش موضع مخالف میگرفتند.

در مجلس چهاردهم مسدوق، با اینکه با بارانش اقلیت بسیار کوچکی را تشکیل میدادند، با وزارت و بقیه به خلق علیه ماسد آشکار و پنهان امپریالیستهای امریکا و انگلیس مبارزه نمود. با استفاده خلاق از تضاد بین طرفداران نیروهای خارجی توانست در نکات تیر به موفقیت دست یابد: مسدوق با جوازات افزایش گرانه خود سید ضیاءالدین طباطبائی را - که انگلیسها دوباره به ایران برگردانده بودند تا زمام امور را در خدمت بیداریها بدست گیرد - منفرد کرده و از صفحه سیاست ایران بیرون انداخت.^{۳۲} همچنین امریکائیها را - که مترصد بودند با تحویل آژور پلیسوز طریق نخست وزیری سهیلی بعنوان رئیس مالمه ایران را تماما تحت حوزه نفوذ خود در آورده و سرگردگی امپریالیزم انگلیس را نیز بعهده بگیرند - شکست داد و پلیسوز را با سرافکندگی از ایران اخراج کرد.^{۳۳} همچنین در دوره مجلس چهاردهم که طرفداران امریکا خواهان اخذ امتیاز استخراج نفت در صفحات شمال ایران بود و حزب توده و نمایندگان آنها نیز در مجلس خواهان اعطای امتیاز استخراج نفت شمال به شوروی گردیدند و طرفداران امپریالیزم انگلیس خواهان حفظ و حراست از صنایع آن کشور بر نفت جنوب بودند. دکتر مسدوق با تقدیم^{۳۴} لایحه قانون منع اعطای امتیاز به خارجیها^{۳۵} و با استفاده از تضاد های موجود در درون مجلس بین این نیروهای وابسته توانست خط استقلال طلبانه خود را پیاده کرده و به کتک توده های مردم این لایحه را از تصویب مجلس بگذراند. با تصویب این لایحه راه برای تقدیم لایحه ملی شدن صنایع نفت در آینده نیز هموار گردید. در این میان قوای متفقین مترصد بودند تا با تشکیل کمیسیون سه جانبه^{۳۶} استقلال ایران را از بیسن برده و این کشور را به مناطق نفوذ خود تقسیم کنند. جوارات بهر مسدوق در افشای این دسیسه تاثیر زیادی بر افکار عمومی مردم ایران نهاد. معتقد به برخی از مورخین، مخالفت افکار عمومی در ایران در

ارتباط با ایجاد این کمیسیون باعث گردید که اتحاد جماهیر شوروی به توطئه امپریالیستیها پی ببرد. و از تشکیل هر نوع کمیسیون با آنان مصرف گردد که این خود امر تشکیل کمیسیون را با شکست روبرو ساخت.^{۱۳}

همانطور که قبلا نیز تذکر شدیم ترکیب طبقاتی و سیاسی مجلس چهارم هم را اکثر زمین داران و بورژوازی وابسته به دول خارجی تشکیل میدادند. در نتیجه هنگامی که مبارزات مردم ایران در سالهای ۲۴ و ۲۵ (۱۹۴۵-۴۶) اوج گرفت و در آذربایجان و کردستان دموکراسیهای خلقی روی کار آمدند. آمریکا و انگلیس به تکیه بر افتادگی و بی تکیایی طرفداران خود را در مجلس چهارم متحد ساخته و از این طریق توانستند قوا را تسلطه را روی کار آورند. در اینجا ما قبل از اینکه به اقدامات قوام در سرکوب جنبش آذربایجان و کردستان بپردازیم به بررسی ایجاد ماهیت احزاب ناپادیده در این دوره در صحنه سیاسی ایران فعالیت میکردند بپردازیم.

احزاب سیاسی

همانطور که قبلا اشاره شد در این دوره احزاب سیاسی زیادی که عناصر طبقات و اقشار مختلفی را نمایندگی میکردند در صحنه سیاسی ایران ظاهر شده و شروع به رشد نمودند. اغلب این احزاب شامل جناحهای مختلف در دین ارتش و فرانسویان موجود در مجلس چهارم هم و هم چنین مثل نخست وزیران ایران به نیروهای خارجی بهره به آمریکا و انگلیس وابسته بودند و در اساس از منافع جهانی آنها در ایران حمایت میکردند.^{۱۴} مهمترین احزاب سیاسی این دوره عبارت بودند از:

۱- حزب عدالت - این حزب بر رهبری علی دشتی، جمال امامی، ابراهیم خواجه نوری، دادگر و سپهری در پاییز ۱۳۲۰ بلافاصله بعد از خلع رضاشاه تشکیل شد. علی دشتی که تا این اواخر ستار سردار ارتش شاه در سنای بود و کتابی نیز در مدیحه رژیم شاهنشاهی به اسم ۱۵۵ انتشار داد. سابقه وابستگی اثری در باره سالهای ۲۰۰۰هـ زمانیکه رضاشاه صرفت دیکتاتوری بیستساله اش را در ایران بنا سازد. بر میگردد. دشتی قبل از کودتای رضاخان و در دوره اوجگیری مبارزات رهایی بخش مردم در گیلان و آذربایجان و خراسان به تبلیغ اندیشه های سوسیالیست پرداخته و در روزنامه اش به اسم شرق سرخ از انقلاب بلشویکی روسیه دفاع میکرد ولی بعدها در مقابل دیکتاتوری رضاخان و داداده و بخدمت رژیم خلفا درآمد. در سال ۱۹۴۷ (۱۳۰۶) که رضاشاه در اوج قدرت استبدادی بود دشتی به همراه محمد علی سپهری که حزب دیبازی به اسم "ایران نو" بوجود آورد که در آن زمان نظریه داری از آمریکا تبلیغ میکرد. در جهان تشدید نفوذ و اوج گیری تبلیغات آلمانی در ایران این حزب مورد غضب رضاشاه که

تعلقات فاشیستی اش اورا بسوی آلمان نازی میکشید . قرار گرفت و عملاً محمل گشت . پس از فرار رضاشاه دشتی و سیبلی به پشیمانان از آمریکا برخاستند .

نمایندگان حزب " عدالت " در مجلس چهاردهم (دشتی و سیبلی) فراکسیون به اسم " مستقل " به وجود آورده و بطور مرتب از سیاست نظامی و دفاعی آمریکا در ایران دفاع کرده و خواهان بازگشت آرتور هلنسوی مشاور اقتصادی و مالی آمریکا به ایران بودند . زمانیکه هلنسوی به ایران آمد طی دشتیسی بنظر فداری از آمریکا و در مخالفت با دکتر صدق مآندن آرتور هلنسوی در ایران بود . این حزب هم چنین برای زمامداری و رسیدن سیبلی به نخست وزیری ایران هم در مجلس و هم در خارج از مجلس از طریق ارگان سیاسی اش به اسم ندای عدالت و روزنامه های طرفدارش همچون مهین و اقدام فعالیت میکرد . در آخر سال ۱۹۴۳ که هنوز جنگ جهانی تمام نشده بود ولیکن آلمان در استالینگراد شکست روبرو شده بود ، سیبلی به نخست وزیری رسید و بدین وسیله های آمریکائی ها بیشتر از هر وقتی دیگر بهره از نظر نظامی به ایران بازگردید .^{۱۵}

حزب "ملیون ایران" - این حزب نیز برهمی ابوالقاسم کاشانی ، فضل الله زاهدی ، میرزا نبیخت (حبیب الله) و متین دفتری در اوائل ۱۹۴۱ تشکیل شد . این حزب طرفدار آلمان و شدیداً ضد انگلیس بود . رهبر این حزب بعد از اشغال ایران و شکست آلمان با تبعیدگشتند و با به زندان افتادند . بعضی از رهبران این حزب مشخصاً ابوالقاسم کاشانی بعد از پایان جنگ جهانی با کت افرادی چون امام جمعه تهران به ایجاد حزب " فرزندان اسلام " اقدام کرده و به فعالیت سیاسی ادامه دادند .

۳- حزب وطن - این حزب توسط سید ضیاءالدین طباطبائی ، عامل اصلی کودتای سوم اسفند ۱۳۹۹ - (فوریه ۱۹۲۱) در پائیز سال ۱۹۴۱ بوجود آمد . از اول طرفدار سیاست انگلیس در ایران بود . نمایندگان این حزب در مجلس چهاردهم تحت فراکسیون " مهین " در جریان مبارزه قبول یا رد اخبارنامه نمایندگان خود سید ضیاءالدین فعالیت میکردند . معروفترین فعالین این حزب در داخل مجلس عبارت بودند از امام از اسفهان ، شکرالله صفوی از بوشهر ، که روزنامه کوشش را منتشر میکرد ، و ملک مدنی از کرمانشاه و هادی تیرانی از یزد و مظفر فیروز (که بعد ضایعنوان معاون نخست وزیر در دوره نخست وزیری توأم السلطنه نقش بزرگی در سرکوب جنبش دموکراتیک در آذربایجان و سرکوب جنبش اعتراض کارگران نفت در جنوب و بدین وسیله خدمت مهمی به منافع آمریکا و انگلیس در ایران انجام داد) بودند . روزنامه " حزب وطن " بسیر

دبیری خود سید ضیاءالدین به اسم رعد امروز معروف بود که در آن طبعه دکتر صدق در مجلس چهاردهم موضع میگرفت. خود سید ضیاء در رساله ای به اسم شاعر طلی بطور کافی ماهیت وابستگی خود را برملا میسازد و درست به دلیل وابستگی سید به انگلیسها دکتر صدق و پارانش در مجلس چهاردهم خواهان رد اعتبار نامه سید ضیاء بودند.^{۱۶}

۴- حزب اراده ملی - " حزب وطن " بعد از پاهان جنگ استمرا به " حزب اراده ملی " تغییر داد و از آن پس یکی از احزاب ضد کمونیستی و ضد شوروی تبدیل شد. این حزب خواهان ایجاد رابطه نزدیکتر با انگلستان بوده و با ملی کردن منابع نفت مخالفت میکرد. احمد دهقان (مدیر عمده ضد شوروی تهران بصورتی و ابتهاج) بعد ها شوردار معروف تهران) و یوسف افتخاری، از بنیان گذاران اتحادیه کارگری در بسیاری زمان رضاشاه، از رهبران دیگر این حزب محسوب میشدند. ارگان سیاسی این حزب در این دوره به اسم وتابده مواضع این حزب را در مسائل داخلی و بین‌المللی منعکس میکرد.^{۱۷}

۵- حزب اتحاد ملی - این حزب بر رهبری مرتضی بیات که بعداً به نخست‌وزیری ایران رسید، و ناصر ملی اردلان بوجود آمد. دیگر رهبران این حزب که در داخل مجلس چهاردهم به اسم " فراکسیون اتحاد ملی " فعالیت میکردند عبارت از عزتالله بیات، فرح آصف دولت‌آبادی و سیداحمد بهبهانی بودند. این حزب، که خواهان استقرار و تثبیت سیستم سلطنتی قوی در ایران بوده، بیشتر از احزاب دیگر آریستوکراس ارضی و منافع مالکین بزرگ را در ایران نمایندگی میکرد و مخالف تغییر در اوضاع اقتصادی بلقعد دهقان بود. مواضع سیاسی اعضا و رهبران این حزب در ندای ملت و عدای ملت منعکس میشد. " حزب اتحاد ملی " در سال ۱۹۴۴ (۱۳۲۲) با " حزب ملت " ادغام کرده و به اسم " حزب مردم " در داخل مجلس چهاردهم فعالیت میکرد. ارگان " حزب مردم " مهر ایران بود که توسط د - بوروژی منتشر میشد و یک روزنامه سه تمام معنی سلطنت طلب و طرفدار طایفه غرب در ایران بود. همانطور که قبلاً اشاره رفت، در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۵) " حزب مردم " با " حزب فرزندان اسلام " وحدت کرده و تا استقرار حکومت نظامی در ۱۵ -

۱۸

پسین ۱۳۲۷ (فوریه ۱۹۴۹) به اسم " حزب اتحاد " به فعالیت سیاسی ادامه داد.^{۱۸}

۶- حزب همسران - این حزب توسط مصطفی فاتح، نویسنده معروف و کارمند عالی‌ترتبه گمان نسبت ایران - انگلیس، در سال ۱۹۴۳ (۱۳۲۲) بوجود آمد. فاتح تأکیدش به عنوان سوسیالیست - اعضای رهبری حزب بوده در داخل " جامعه ضد فاشیستی " همکاری میکرد. مبارزاتی و ملی شهید - زاده از رهبران دیگر این حزب بودند. این حزب خود را سوسیالیست اعلام کرده و دم از بیطرفی در رابطه

با انگلیم و روس در ایران مزد و پس بعدها معلوم شد که مصطفی قاجار وابسته به انگلیم بود. نمایندگان این حزب در مجلس چهاردهم - ابوالقاسم عراقی از کاشان و خواجهمیری ساسانی از کرمانشاه - بودند که در مقابل مسئله اعتبارنامه سیدضیاءالدین طباطبائی مواضع مختلف گرفته و باعث انحلال حزب گشتند. علی شهیدزاده به نفع مومع دکتر صدوق مخالف اعتبارنامه و قاجار موافق اعتبارنامه سیدضیاء رای دادند و بدین ترتیب در سال ۱۹۴۴ (۱۳۲۳) این حزب منحل شد و ارگان آن به اسم شمس دیگر منتشر نشد. در همان سال، علی شهیدزاده بهرامی بنی صدر، معاین رادیو تهران و "حزب سوسیالیست" را تشکیل دادند. ارگان این حزب روزنامه فردا و امروز بود که بزودی خوانندگان زیادی بین روشنفکران و دانشجویان پیدا کرد. اکثریت این حزب رادیکال های جنوب ایران را تشکیل میدادند. در جریان سالهای ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ (۱۳۲۵ و ۱۳۲۶) این حزب بتدریج منحل گشته و اکثریت اعضای آن به حزب توده ایران پیوستند.

۷ - حزب آزادی ساین حزب در جریان سال ۱۳۲۴ پاهان جنگ جهانی دوم توسط حمرارستان و ملک الشعراء بنهار بوجود آمد. این حزب که اکثر اعضای رهبرش را رادیکالهای شمال شرق ایران مشخصاً غریبان تشکیل میدادند طرفدار اصلاحات ارضی بودند. در سال ۱۳۳۵ در جریان توطئه قوام السلطنه علیه جنسیت دموکراتیک آذربایجان رهبری این حزب به نفع اعلام با "حزب دموکرات ایران" که قوام السلطنه تشکیل داده بود "حزب آزادی" را عمل منحل کردند. ولی اکثر توده های جوان این حزب به حزب توده پیوستند. مدت الشعراء بنهار نیز بیشتر مستقل به فعالیت پرداخت.

۸ - حزب سوسیالیست - این حزب توسط ابوالفضل لواسانی و کمال مجلس و علی اردکانی در ۱۳۲۵ - بوجود آمد. این حزب حقوق مساوی برای زنان و اقلیت های مذهبی و ملی را تبلیغ میکرد. بعد از ایجاد "حزب دموکرات ایران" این حزب نیز مثل "حزب آزادی" بدو بخش تقسیم شد. بعضی از اعضای سرشناس این حزب مثل مهدی پوری و فروزنده کابینه و "حزب دموکرات" قوام پیوستند و بعضی دیگر منحل خود ابوالفضل لواسانی و شعبه تهران این حزب به "حزب توده" ملحق شدند.

۹ - "حزب سپین" - به غیر از این احزاب که اکثر آنها انگلیم وابسته بودند، در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم در ایران احزابی نیز به طرفداری از فرانسه در صحنه سیاسی ایران ظهور کردند. اهم این احزاب عبارت از "حزب استقلال"، "حزب پیکار" که قبلاً به اسمی روزنامه های این حزب اشاره شده است، و "حزب چین پرستان" بودند. این احزاب که بلافاصله بعد از اشغال ایران توسط متفقین

بوجود آمده بودند. در جریان پایان جنگ تحت اسم " حزب چین " بوجدت رسیده و شروع به فعالیت کردند. معروفترین رهبران " حزب چین " عبارت بودند از عدل قدیر آزاد و دکتر محمدالحمد زنگنه که به مجلس چهارم انتخاب شدند. این حزب نیز روی مسئله اعتبار نامه سیدضیاءالدین به انتصاب کشیده شد. آزاد به دفع سیدضیاء رای داد و شعبات این حزب در شهرهای رشت و گرگان و در خراسان به حزب توده پیوستند و در تهران طرفدار این حزب تحت رهبری زنگنه و دکتر کریم سنجایی به " حزب ایران " پیوستند.

۱۰- " حزب ایران " - بلافاصله بعد از خلع و فرار رضاشاه مهندسین فعال و سیاسی نیز مثل انتشار و دستجات مختلف دیگر انجمن مهندسین را در بهائیز ۱۳۲۰ بوجود آوردند. مهندس مهدی بازرگان، مهندس احمد تبرک زاده، دکتر الهیار صالح و دکتر کریم سنجایی از اعضای این انجمن بودند. در سال ۱۳۲۱ بعضی از اعضای رادیکال این انجمن منحل و مهندس مهدی بازرگان، دست به انقباض بزرگی در وزارت صنایع و معادن زدند. این امر باعث انتصاب در انجمن گشت. بخش از انجمن دست به انقباض سندنگای مهندسین زدند که بعداً به شورای مرکزی اتحادیه های کارگری پیوسته و بخش دیگر در سال ۱۳۲۱ " حزب ایران " را بوجود آورد. الهیار صالح، جهانگیر حقشمار و زیرک زاده از جمله بنیان گذاران این حزب محسوب میشوند. نمایندگان این حزب در داخل مجلس چهارم هم عبارت بودند از حسین معاون، محمدالحمد زنگنه، عبدالله معظی و الهیار صالح. روزنامه جنبه ارگان حزب بود که در حسین ابتضاد از مدعیان از مذاهب اسلامی به اسلام احترام خاصی قائل بود. در واقع باید گفت که اکثریت اعضای رهبری این حزب افراد ملی گرا و اسلامی بودند. " حزب ایران " در سال ۱۳۲۵ با حزب توده در سطح مختلفی منحل و در اتحادیه های کارگری و در رابطه با حفظ صنایع مکانهای نزدیک داشت. ارگان این حزب برای بخش جوانان روزنامه رستاخیز بود که خیلی خواننده داشت. این حزب در رابطه با مسئله آذربایجان مسئله حق تعیین سرنوشت ملی و حقوق اقلیتهای مذاهب و ملی را محترم شمرد و بدین جهت با " حزب دموکرات آذربایجان " نیز روابط درونی خلقی برقرار کرده و همکاری میکرد. در جریان حکومت نظامی تحت نخست وزیری قوام السلطنه روابط حزب ایران با حزب توده ضربه گشت. بعدها در جهان ملی شدن صنایع نفت حزب توده و " حزب ایران " که به یکی از متحرکین احزاب درون جنبه ملی تبدیل شده بود به رقابت شدیدی علیه همدیگر برخاستند. ما در اینجا به بررسی ظهور و رشد حزب توده

ایران مهربانیم و بررسی ایجاد و معرفی احزاب درین جبهه ملی ایران را به فصل بعد (فصل ششم) موکول میکنیم *

حزب توده ایران

در شهریور سال ۱۳۲۰، بعد از اشغال ایران توسط نیروهای متفقین و خلع و فرار رضاشاه، بیست و هفت نفر از طرفداران دکتر تقی ارازی که تازه از زندان آزاد شده، بودند به تشکیل حزب توده ایران اقدام کردند *

تقی ارازی که در جنبش معروف مردم ایران علیه قرارداد خائنانه ۱۹۱۹ ایران - انگلیس شرکت کرد و در جریان خیزش شیخ محمد خابانی نیز فعالیت کرده بود، بعد از شکست جنبش خابانی در ۱۹۲۱ به آلمان رفته و در آنجا مشغول تحصیل هنرنگشت *

در جریان تحصیل و بعداً تدبیر در آلمان، تقی ارازی به ایدئولوژی مارکسیسم روی آورده و در میدان جوانان و دانشجویان ایران، نظم آلمان نسبت به دیکتاتوری ضد خلقی رضاخان و آرمانهای سوسیالیستس و جنبشهای استقلال طلبانه مشرق زمین نقش بزرگی بازی کرد. در مدت اقامت خود در آلمان، ارازی حالات متعددی را منوط به مسائل میهنی و ایدئولوژیکی برشته تحریر در آورد که در آن زمان در برخی از نشریات فارسی زبان حیطه در فرنگستان به چاپ رسیدند * ۱۹

در سال ۱۹۲۰ تقی ارازی همراه چند تن از یاران به ایران برگشت تا مارکسیسم را در ایران اشاعه داده و زحمه را برای ایجاد سازمان های کمونیستی فراهم آورد. در این زمان، رضاشاه در نتیجه یورشهای پس درین علیه "حزب کمونیست ایران" موفق شده بود که با دستگیری رهبران "حزب کمونیست ایران" تشکیلات حزب کمونیست را به کت ناشیستهای طرفدار آلمان در ایران از بین ببرد. در سال ۱۹۳۱ با گذراندن این سیاه " ضد اشتراکی" و منع هر نوع فعالیت سوسیالیستی در ایران، رژیم رضاشاه جلو هر توسعه فعالیت سیاسی دموکراتیک و مردمی را گرفته بود. بدین جهت ارازی و یارانش دست به تشکیل محفل های کوچک و مخفی زده و ظریفترم حفظان شدید پلیس موفق شدند که مجله دینا را بصورت غیر علنی منتشر کرده و بدینوسیله سنن تألیف حزب کمونیست ایران را در مبارزه علیه دیکتاتوری و ظلم طبقاتی حفظ و احیا کنند. در این دوره ارازی با نوشتن مقالات متعددی به رشد ایده های سوسیالیستس در ایران خدمات شایسته ای کرده و عملاً گروه مطالعاتی مخفی در تهران برگزار کرد *

فعالیت های علمی و سیاسی ارازی و یارانش بطور مخفی ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۳۲